



اسلام برتر از همه چیز است و هیچ چیز برتر از اسلام نیست

آخر برآمد دست حق، چون قرص خورشید از شفق

بی ترس و بیم از ترس و دق، آمان نمود اشکالها

سر بازار این «جهان مقدس»! ملت تشنه خون است

آتش خشم و غضب ملت مسلمان و ضد اجنبی ماجز بار یختن خون شهمنان دین و وطن و ناموس جاسوسان گمونی نیز موعمال بیشتر م اجنبی خاموش نخواستند ا اگر حکومت انقلابی سر لشگر زاهدی کمترین ارفاقی نسبت بجاسوسان و جنایتکاران بنماید بزرگترین خیانت را بدین و خلق و وطن نموده است

گلوله، گلوله! تنها پاداش جاسوسان و وطنفر و شان است

کاملترین اخبار و اطلاعات درباره قیام ملی دیروز مردم تهران که بوسیله رکن تجسس گروه جهاد مقدس فراهم شده است

دیروز تهران در زیر قدم های مردانه افراد ارتش و مسلمانان ضد اجنبی میلرزید

مصدق غول پیر خون آشام در زیر ضربات محو کننده مسلمانان استعفا کرد، حسین فاطمی خائن که از خطر گلوله برادران نجات پیدا کرده بود قطعه قطعه شد، نخست وزیر انقلابی و قانونی برای ملت سخنرانی نمود سر لشگر با تمام انقلاب بر ریاست ستاد منصوب شد کلیه مراکز مهم دولتی بتصرف مسلمانان و قشون اسلامی درآمد و جاسوسان و وطنفروشان و عمال حکومت خائن مصدق از ترس انتقام ملت بلانه های کثیف خود فرار کنند

سر بازار این گروه (جهان مقدس) همه جای پیشاپیش صفوف ضد اجنبی انقلابی مردانه و وظائف مقدس و حیاتی خود را انجام دادند

اعلامیه های حکومت انقلابی و قانونی در بیست و چهار ساعت اخیر

بیست و هشت ماه یک قول ما را بی قید و ضمانتند کابوسی شوم بر سینه ضعیف این ملت معروف سوار بود، بیست و هشت ماه از آن و جاسوسان و عمال بیگانه در زیر پای این بوم شوم هر جنایتی که از دستشان بر آمد انجام دادند، بیست و هشت ماه کثیف ترین، خائن ترین، جنایتکار ترین و وادعه برین جاسوسان اجنبی و اوباش بی سرپا رفتند شرط باحیات و هستی ملتی بازی کردند بیست و هشت ماه تمام، کلیه مقدسات دینی و ملی، ملیت، شجاعت، بلید شیطان و زردان سلجوق فواحش سرگردان اجتماع قرار دادند.

خدایا، تو میدانی با همه قدرتی که بین ما فرموده ای قادر بشریح جنایات این ناموس و عقیده و حیات و هستی مردم ما و این نقطه ذات لا یرال و بصیر و حکیم است که میتواند میران جنایات این دشمنان بشریت و سریت و فضیلت را درک کند. در این بیست و هشت ماه همه چیز این همه جیرام از مادی و معنوی در آتش بقیه در صفحه ۲

اولیاء امور کشور فرانسه

ناجوانمردترین همه مستعمره چنان دنیا هستند؟! ملت مسلمان مراکش و جوانان مجاهد رباط و کازابلانکا دیگر بیش از این اجازه نخواهند داد دسترنج آنان خرج عیش و نوش لعینان پارسی شود!

پس از چندماه خاموشی و سکوت در قسمت مستعمرات آفریقای شمالی فرانسه باز مستعمره چینیان بی انصاف اسباب زحمت و موجب قتل و غارت مردم مسلمان و شجاع و مجاهدین از جان گذشته مرا کشی شده اند: هفته قبل در اثر نامه ای که سلطان مراکش

بریس جمهور فرانسه نوشته و از استعمار سیاه آن کشور و ظلم و جوریکه افران و مینمایند شکایت کرده بود: ژنرال (دکوستن کیوم) کیسر نظامی فرانسه در مراکش بقیه در صفحه ۲

خون، آتش، خشم، شجاعت، فداکاری، نابود کردن اجنبی پرستان لادیه: اینها بود میل و شعار مردان شجاع و برادران مسلمان تهران، ارش مسلمان ایران دیروز یکبار دیگر خاطره کوبانیدن پیشرفان دمکرات نمای آذربایجان را در تهران نشان داد:

ساعت ۸ صبح دیروز بیکباره صبر و شکیبایی جوانان مسلمان و مجاهدین ضد اجنبی تهران تمام شد، دو سال و اندکی صبر و حوصله، نوکران پست و بی لشو ک و خائنین بو وطن را که بگذرد و شارلاتانی ذم امور را بدست گرفته بودند است آژ و شرف خود را تا پای اضلال ایران بردند جری کرده: با کف فاطمی بی آبرو علی شاکان دزد بزرگ، امپورر ضوی دیوا و ارشاد لاورنتیف مدخله جو با به هستی و استقلال سلطنت را بهم زده و کار را بجای رسانیدند که در صحن مقدس حضرت معصومه علیها سلام بساحت اقدس شارع اسلام اهانت نمودند و در تهران و شهرستانها خرابیها بار آوردند و آزار منیت را از بین بردند این اعمال مذمومانه مانند تند بادی بر خاکستر آتش وطن خدو اهان و مردم تهران وزید و بیکباره این آتش مقدس شعله ور گردیده روز ۲۸ مرداد روز مقدس رستاخیز ملت فرا رسید:

بقیه در صفحه ۴



لکه های ننگ را با خون بشوئیم

فواحش سرگردان؛ بردگان نانجیب بیگانه و جاسوسان مهدور الدم خارجی در سر زمین وطن اسلامی ما خلق حیات ندارند

مسلمانان! دشمن بزرگ بشریت و خصم بشریت خدا پرستی و دین (کولیس) و پیروان سید دل و رذل و بی سرو پای این مسلک ضد بشری میخواهند با انحراف جنبش حق طلبانه و ضد اجنبی شما از مسیر اصلی و طبیعی خود یکباره اساس توحید و خدا پرستی و اسلام و اسلامیت را واژگون و بجای آن بساط شرک و بی ناموسی و دزدی و جاسوسی بگسترانند.

چشم فاتح و پیر افتخار حزب پیر و زمند خلق در میان خون و آتش برافراشته شد

بقیه سر مقاله

بقیه از صفحه ۱

شهرت و کینه توژی و فرخ و حسن جاه طلبی این دشمنان بشریت سوخت و درق های مقدس قرآن بوسیله دشمنان پیشرم خدا و دین و وطن پاره پاره شد، نوامیس محترم اسلام مله به شهوات شیطانی بیناموس ترین دشمنان ناموس قرار گرفت، قانون اساسی متلاشی و درهم گوبیده شد، خونهای بیگناهان و مظلومین بناحق ریخته شد، و دایع مقدس الهی با خیال سمیاطین ضد بشر واقع شد و آزادی و اساس موجودیت و استقلال این ملت مسلمان بدست غولی بیرونی خون آشامده و نابود گردید، کونیتهای جاسوس و خیانتکار، توده های خان و بیوطن که هیچگاه خواب زنده کی راحت را هم نمیتوانستند ببینند بدست این حکومت چنان تقویت شدند که باسینه های فراخ در کمال دیدگی و قناعت بچنگ فرزندان جگر سوخته اسلام آمده نامردانه بطرح توطئه های ضد استقلال پرداختند.

ضایعات روحی و اخلاقی و مادی و معنوی این حکومت جبار و جنایت پیشه و اجنبی پرست چنان بوده است که نه در عرض تاریخ پرماجرای گذشته سابقه داشته و نه دیگر هیچ جنایتکار و هیچ حکومت اشغالگر و خالی قادر خواهد بود بهیچ ملت و مملکتی تا این حد ضربت بزند.

من معتقدم اگر این شمار ننگین (در عقول دلتی است که در انتقام نیست) از قاموس زنده کی این ملت محروم حذف شود خورشید سعادت و آسایش و رفاه او ازیس ابرهای تیره و تاریک خیانت و وطن فروشی سر زده دوران سیادت و عظمت ملت مسلمان فرامیرسد.

آخرا این چه دوره ایست که لنتی و کثیفی است که یک فرد خائن و جنایتکار و وطن فروش بیاید بکمر خیانت کند، یکمتر تزیرو جنایت کند. یکمتر جاسوسی و وطن فروشی کند، یکمتر آدم کشی و دزدی کند آخر سرم کسانیکه باید او را بجایزات اعمال فبیعیش برسانند با زر زنه نمودن این شهر لنتی روانه قتل گریسکها و بلایه متعفن نموده برای انجام جنایاتی بزرگتر مهلت و فرصت باو دهند من معتقد بنام سعادت و آسایش مردم و بنام بقای یک ملت محروم و سیه روز باید پیشه فکر (عقل و گذشت) را در دماغ عناصر مهمل و سست عنصر خشک گانده و باید بجای این کلمه تا بود کتنده کلمه مقدس «انتقام شدید» راجای گزین کرد.

شمارا بیا این بگوئید هلو و گذشت نسبت به مصدق و حسین فاطمی و بشیر فرمند و مهندس زیر کزاده و مهندس رضوی و مدلل شیرازی و خلیل ملکی و این فقهای جاسوس و گردنه بند و این آخوند های خان ولا مذهب و ده ماجنا بی تکرار و ده بخوار دیگر نظیر این بی بد و مادرها جز حمانت و پستی و مهملی و بی شرفی چه نام دیگری میتوان بر آن نهاد.

مگر این دزدها، این جاسوسها و این آدمکشهای بی همه چیز در مدت ۲۸ ماه تسلط غاصبان و جابرا نه خود بماند و بوجه ما، ب دین و ناموس ما، بوطن و استقلال ما بوجه امنیت و هستی ما رخ کرد؟ مگر این مصدق اجنبی خواه خونخوار آدمکش، مگر این مصدق حامی شماره یک کونیسیم و احوان و انصاران نجیب و هرزه و بی سرو پای او که در خدمت اجنبی خونخواری مانند دولت استعماری روس کمر بسته بودند کمترین رحم و شفقتی نسبت باین ملت محروم و ستم کش و خبیان هستی او نبودند که کسی با آنها راجه کند.

الان در این اطاق ساده خشت و گلی، دفتر نبرد مسات ستاد عظیم نیروهای فاتح و ظفر نمون (جهاد مقدس) که نشسته ام با شنیدن خبر قطعه قطعه شدن حسین فاطمی که از کلکوله انتقامجویانه من و برادرانم نجات یافت حس بد بیخیم قدری تخفیف یافت زیرا فهمیدم که نفس سوزانم در

سر بازان (جهاد مقدس) این فدائیان دایر و از جان گذشته

مقام مقدس حزب پیروز (خلق) که بزرگترین سهم اساسی را در قیام ضد اجنبی و حق طلبانه دیروز داشتند هم مندم بخاطر رضای خدا و آسایش خلق برای خاتمه دادن بتاریخ خیانت و جاسوسی همچنان دست های مردانه خود را بخون سگهای هاز کمونیست و اعمال خیانتکار حکومت ضد بشر و حق شکن مصدق رنگین نمایند.

اگر دولت انقلابی فعلی که بر اثر انقلاب بزرگ و حق طلبانه دیروز (خلق) مسلمان و مجاهدت دلیرانه سر بازان گروه (جهاد مقدس) بروی کار آمده است نخواهد یا نتواند جنایتکاران، توده ایها، جاسوسها و کوچکترین اعمال مصدق را بشدیدا سر کوب و مجازات نماید این وظیفه بزرگ و مقدس را برادران نازنین ما، سر بازان (جهاد مقدس) انجام خواهند داد زیرا این آتش خشم و غضبی که علیه کمونیستها و اعمال حکومت مشغور سابق زبانه میکند جز باسیل خود خاموش نشده و مرهم این زخم های مولک فقط مفزهای گرم و خون آلود اجنبی پرستان و اعمال حکومت

آدمکش و خائن مصدق است. آری این آتشی که از قلوب شکسته مردم مسلمان و محروم و فکرمزده ایران که در عرض این ۲۸ ماهه چیز خود را از دست داده جگرهایشان سوخته و دیدگانشان خونخوار شده است زبانه میکشد جگر باجاری شدن سیل خون دشمنان و مسمومین بدبختیشان خاموش نخواهد شد.

برادران مسلمانان! هموطنان و سر بازان دلاور گروه (جهاد مقدس) تا ما معانو نابودی قطعی دشمنان خونخوار دین و وطن و خلق و ناموس دست از حر بهای مقدس خود بر ندارند.

تهران ستاد ملت عصر روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۳ امیر عیداله کر باسپیان

همه جا با میهن تور مسافرت کنید ترانسپورت بهترین وسیله مسافرت است

روزنامه فروغ آسیا

به دیرت آقای سیاوش فروغ که از جوانان مبارز وطن خواه است دومین سال انتشار خود را بزودی آغاز خواهد کرد

«در پیرامون بحث علمی و فلسفی (ایده آلیسم و ماتریالیسم) از طرف بعضی از خوانندگان محترم مقالاتی رسیده است و از طرف برخی هم سئوالاتی شده است که چاپ و باسختگونی آنها به علت ادامه بحث محققا اینکه بوسیله یکی از دانشندان از هفته قبل شروع شده است بشماره های آینده موکول می شود.»

بحث علمی و فلسفی ایده آلیسم و ماتریالیسم اختلاف قدما: در باب عقل و ماده

آنچه که در این عصر در محافل علمی و فلسفی بعنوان «ایده آلیسم» و «ماتریالیسم» افزوده مرام می شود، در قدیم بعنوان «معرفت عقلی» و «معرفت حسی» عنوان میشد در گذشته نیز مانند امروز و در کوره، یعنی طرفداران «معرفت عقلی» و هواخواهان «معرفت حسی» نه تنها از یکدیگر جدا بودند، بلکه بشدت مبارزه میکردند و جدال سختی بین آنان وجود داشت.

جدالی هم که امروز بین پیروان مذهب «ایده آلیسم» و معتقدین «ماتریالیسم» وجود دارد. همان جدال قدیمی است که فرضا «پارمنیدیس» و «اکرانوفان» و «انکسیاغورس» با «هرقلیطس» و «ذیوقرطیس» داشتند و بعدا هم «سقراط» در کوی و برزن و رواق دادگاه «آن» با سقراط ایان میگردد و بعدا از «افلاطون» و پس از او «ارسطو» با زار این جدال را گرم کرده و به شکستن شوکت و هیمنه و سطوط سقراط ایان همت گماشته و تا آنجا که در قوه داشتند و هر خود و مکتبشان کفای داد، کاسه و کوزه هکاکین از سقراط ایان و منطاطه کاری و منطاطه بازی آنان را درهم ریختند، و از این جنگ و جدال، بخلاف جنگهایی که فرماندهان بزرگ نظامی و لشگری میکنند و در پشت سر خود میلوها زنان بیوه و اطفال یتیم و توده های از خرابی آبادی ها باقی میگذارند، در پشت سر خود میراثی از مآثر عقلی و فکری باقی گذاشتند که هم برای ادیان و مذهب آسمانی که استوار بر بنیان «توحید» بود، سر رشته استدلال و برهان بدست دادند و به تأیید و تقویت دین «از طریق عقل» یاری کردند و هم بدری بود که درخت تناور و پرثمر مدنیت و فرهنگ علمی و صنعتی بشر از آن پدید آمد و اسباب مباحثات عالم انسانیت گردید.

در قدیم، مادریک سمت گروهی را میبینیم که حکاماتی امثال «هرقلیطس» و «ذیوقرطیس» در پیشایش آن رخ حرکت میکنند و قائل به معرفت حسی هستند و حسی و مشهود و تجربی را منطاطه اعتبار دانسته و از این دعوی نمیتواند بالاتر بروند. و دسته ای دیگر در مقابل آنها دیده میشود که «اکرانوفان» و «پارمنیدیس» و «انکسیاغورس» در مقدمه آن برقرار دارند و این «اکرانوفان» است که میگوید: غیر از خدای واحد، خدائی دیگر وجود ندارد و رفیع ترین موجودات زمینی و آسمانی است، چون هیئت ما مرکب نیست ممتکر بسان فکرمانیست، چنانکه ممتکر هم نیست بلکه ثابت است همه اش چشم و همه اش گوش و همه اش فکر است و همه را بدون رنج و زحمتی حرکات میدهد... این بیان قوی و محکم در تنبیه و توحید که در سده پنجم قبل از میلاد در یونان که از باب انواع میرستیدند، گفته میشد بسیار قابل توجه میباشد و بهین سبب مورخین تاریخ فلسفه شایسته میدانند که از بشر در بابید واضح علم الهی دانست یا «پارمنیدیس» یا «شاکردا» که فیلسوف «وجود واحد» است و در عصر خود با قدرتی بیسابقه بعبادی «وجود» و «عقل» و «بالارفته» فلسفه اولی یا «میتافیزیک» را مؤسس گردید و «افلاطون» او را «پارمنیدس کبیر» مینامد یا «انکسیاغورس» که برای نخستین بار گفت که:

«عقل فاعل اول است» عقل لطیف ترین و حیاتی ترین اشیاء است، بسط است و از تمام اشیاء جداست، عقل خالص است، دانا بهر چیزی است، توانا بهر کاری است و بذاته متحرک میباشد... البته این و بیانات مشابه آن که با بیجا گفته شد با بیان فرضا «ذیوقرطیس» در پیرامون معرفت حسی خیلی فرق دارد که میگفت: «فکر» عبارت از حرکت باطن است که فقط احساسات آن را در دماغ بر میانگیزاند یا صور محسوسه است که تطبیق شده و چیز دیگری نیست زیرا که احساس یگانه مصدر معرفت میباشد و خارج از همه نیست و بنابراین انسان نباید امیدوار بطلود باشد... از اینجا باید دریافت که هر اعدای کمونیست «ذیوقرطیس» را همانگونه برستش میکنند که بت پرستان قدیم بت های خود را...

البته این حقیقت را باید اعتراف کرد که هر یک از این حکماء بوجه آنها که بیرو معرفت عقلی بودند چه آنها که در خط «معرفت حسی» قدم میزدند و در گفتارشان بیک اندازه حقیقت یا حقایق وجود دارد و اما اینکه کشف حقیقت کلیه گروه باشد چنین نیست. در بعیوه این جدالهای فلسفی که همه قبل از ظهور سقراط بود عده ای هم آموزگار و معلم بودند و در آن ایام طرز تعلیمات وجود چنان معلمی را ایجاد میکرد و چون یونانیهای قدیم دانش و معرفت را برای نفس دانش و معرفت دوست میداشتند لا جرم آن عده از مردمی که معلومات خود را وسیله کسب ثروت و وصول بجاه و مقام قرار داده بودند منفور میداشتند و آنها که دانش و علم را وسیله سوداگری قرار داده بودند.

اهل مجادله و مناظره بودند و از جدال حکمای حقیقی که در زمره معتمدین (معرفت عقلی) یا طرفدار «معرفت حسی» بودند سوء استفاده نموده و باب مناظره باز کردند چنانکه کمونیستها بنوا را و زردی را من خط قدم میزنند و تمام کوشش خود را در این راه بکار انداختند که از مدار آن فلسفه بیرون آیند فقط برای اینکه شاگردان خوبی در جدل باشند و تا بدویا نفس مطلبی را با سوسیه اسباب مفاخرت میدانستند و خلاصه کلام مردمی مجهز که باصطلاح امروز «هوجری» میگویند و این هوجریها با غوغا کران در اثر هوجری یا مخالفتات خود اسباب کمرای افکار عمومی شدند و مردم را از طریق نفیست منصرف نمودند و بی بنه و باری آنها ببنیادی اخلاقی و اجتماعی «چنانکه امروزه نمونه های آنان را در درجات اجتماعی خویش می بینیم» سرایت کرد و شک و تردید را در دین «کوان دین» هر چه خواهد باشد» وارد کرد و شمار دینی را ببدسترس و استهزاء گرفتند و قدرت و «زور» را ستودند «ملاحظه بنمایید که آنچه از کمونیسم و تبلیغات کمونیستها امروز می بینید سواد مطابق اصل است» مطمئن باشید آنچه در اینجا بگفته شد موافق این تاریخ فلسفه است و از اینجا در میابیم که چرا «سقراط» ناگزیر بجدال با اینطایفه گردید و چرا دو مکالمات خود با مردان «آن» بی نهایت سعی می کرد هر بحث و جدلی را به (حل و ماهیت) بر گرداند و سئوال می کرد:

خیر چیست؟ عدل چیست؟ ظلم چیست؟ حکمت چیست؟ شجاعت چیست؟ جبن چیست؟ تقوی چیست؟ اتحاد چیست؟ و از طریق استقراء یعنی بررسی جزئیات بجهت بیشتر که بین آنها می رسد و عوام هم بر این دو پایه استوار می باشد یعنی «حد» را از طریق استقراء بدست می آورد و قیاس را به «حد» ترکیب می کرد و مطلب را میکشافت

نگیسته و افکن

۱۲۷

هیئت خود را بریاست «مرحان سیون» وزیر خارجه خود با تجا اعزام داشت: با اینکه لغواتیاز نامه پوسیده و اجباری زمان استبداد در تمام قوانین دنیا مجاز است و این عمل حق مسلم ایران بود بدون جهت و فقط روی اعمال نظر قدرت انگلیس در مجمع عمومی جامعه مطرح گردید: و بالاخره پس از نطق ها و مذاکرات چنین رای داده و این رای نمونه بارز تعجیل عقیده یک قوی بر طرف ضعیفی است: نظریه جامعه ملل این طور صادر شده بود. چون دولت ایران دولت انگلیس در مجمع عمومی جامعه میباشند هیئت عمومی مجمع ملل متفق چنین صلاح دید که موضوع این اختلاف بکمیت حل گردد و آقای «بنش» وزیر خارجه چله اسلوواکی و نماینده آن کشور در جامعه را بسمت حکم تعیین نمود: این داور یکطرفه چنین رای داد که تا مدت معینی طرفین برای حل اختلاف خود با هم تماس بگیرند و اگر موفق به حل قضیه نشدند ایشان رای خواهند داد: هیئت ایرانی بایران مراجعت و با اطلاع شاه رسانید که در این جنگ ایران برنده نیست و بایستی طوری با طرف کتار آمد

چند هفته بعد سرچان «گدمن» رئیس هیئت مدیره وقت شرکت نفت ایران و انگلیس بایران آمد و بلافاصله بلاقات شاه رفته او را مطمئن نمود که راجزه مذاکره داده شود منافع ایران و هم شخص شاه محفوظ است و در ضمن با اطلاع شاه رسانید که تا پایان مدت امتیاز بیش چهل و چند سال باقی نیست و با تفاوت حق الامتیا بیکه شرکت اضافه خواهد نمود صلاح ایران و شرکت است با هم کنار آیند: «شاه» هم پس از مشورت با قتی زاده و داور و «علاء» و سایر کسانیکه در امور امتیازات وارد بودند اجازه مذاکره با میسونی که از لندن بایران میآید صادر نمود و با اطلاع ادواریش داور جامعه ملل هم رسانیدند.



اراک برادر آقای حسن قائم مقامی نامه محبت آمیز و پر سرور و گذار جناب عالی واصل شد از احساسات بی شایه شمامتشکر بوده در مورد ارسال روزنامه همانطور که نظر داده اید اجرا خواهد شد. این روزها وظیفه شما و هموم برادران در برابر خدا و خلق بسیار سنگین و احساس است بدون توجه به بواعن و مشکلات تمام نیروهای ضد اجنبی راهلیه عمل بیگانه متحرک کرده بجهاد مقدس خود ادامه دهید و ضمنا نیز بدانید که مواعیل موجود بیاری خدای توانا و همت مردانه برادران بزودی رفیع خواهد.

موفق و پیروز باد جهاد ضد اجنبی برادران اراک بر و جرد برادر آقای جواد طاهری اشعار تنز و شیوای شاک حکایت از طبع نقاد و روح پر شور شما میگرد رسید چقدر متاسفم که بعلم سنگینی مبارزه موفق بدرج اشعار شما شادیم

شیراز برادر آقای علی اکبر صفیر انقلاب این اشعار را سروده اند: حلقه در گوش بجان مهرو مهت ای اسلام تاج شاهان جهان خاک رخت ای اسلام عرش و لوح و قلم و کرسی وقاب قوسین کترین پایگه بازگشت ای اسلام دست بی دینی و بی فتنی و جهل و فحاک کرد چون یوسف مصری بجهت ای اسلام بجز از آنکه مسلمانی من تنگ تو شد چیست در صره کیتی کنهت ای اسلام بستکه از چهار طرف رو بتو کرد آتش غم خون جگر گشت «صفیر» از نگهت ای اسلام

به برادران اعلام میشود

پس از انتشار شماره گذشته و دهویکه از برادران مسلمان در سراسر ایران برای ایجاد یک حزب بزرگ و نیرومند دینی و سیاسی شده بود شنیده شد که در بعضی از شهرستانها مسلمانان قیر تمند و جوانان آزاد ای که طالب سربلندی اسلام و سعادت ملت و استقلال مملکتند برای دریافت برنامه و آیین نامه حزب به نمایندگان روزنامه در شهرهای خود مراجعه نموده اند. بدینوسیله بعموم افراد مسلمان و برادران فریاد کننده که تا کنون از بیان مطلع نیستند اعلام میشود که برای کسب هر نوع تکلیف و اطلاع و معلوماتی در این مستقیما با دفتر روزنامه تبردمت مکاتبه نمایند.

برای عظمت دین و نجات وطن همه بزرگ یک پرچم

و حقیقت آن را آشکار میساخت... بازمین نظر باید دریافت که چرا اختلاف آن سوسطاطیها با هوجری های عهد سقراط که امروز باار کسیت بودن یا نلینیت بودن خود اشعار میکنند از تعدید الفاظ و معانی و ماهیات مشترک آنها فراد کرده از طرف منطق عقلی که آنها را دنبال کنند آنها از دروازه «دیانیک ماتریالیسم» بی منطق مادی دور میکنند و زیاد از یک طرف است که تلاش حیات و معانی معنایان که لباب منطق عقلی یا منطق ارسطورا بکلی معو کنند و متوجه می شود که چرا در تمام جنبه های تبلیغاتی که اینطایفه بشدت حمله مینمایند. هدف اولیه آنها بر بطن «الفاظ و حدود معانی» و کوبیدن فرهنگ هر زبان درست و زنده بصحوص زبان ملقب مانده میباشد و در ضمن بر اکتیبا مطبوعات، رسال، جرائد، شمارها و سایر کاری که در حوزه تبلیغاتی آنان قرار دارد مثله کوبیدن «فرهنگ سرفرازم» و ستاد تبلیغاتی آنان قرار دارد و بهین سبب است که چون نوشته های آنان را بدست میخواند مقدار زیادی - خیلی زیاد الفاظی می بینید که با معانی که در قاموس زبان برای آنها بکار برده شده و حق نمیدهد و ذهن خواننده متعوش میشود و منظور اصلی آن نیز همین است...

در دینی پایان و سلام برادران افرا حزب خلق و ملت مسلمانان ایران بر سر بازان مجروح و آسیب دیده گارد (جهاد مقدس) که با انجام بزرگترین فدائیکاریها اسلام و ایران را از لیک خطر حتمی و مملکت نجات دادند

لکه های ننگ

کداشته و در صورتیکه این متانت و بردباری چندروز دیگر ادامه پیدا کند باید یک ترک تنگین و مفتوح و یک فتای نامردانه و فلاکت بار را استقبال کنید

هم وطنان! مسلمانان! ای کسانی که برای ریشه کن کردن نوز شوم بیگانه سالها در زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای کشته زمستان

مردم ایران! برادران مسلمانان! ای مسلمانان! ای مسلمانان! ای مسلمانان!

هم وطنان! مسلمانان! هدف این آدمکشان ققازی و جاسوسان ایرانی ساری روسی از ایجاد رعب و وحشت ایست که در زیر این پرده سیاه و معوف

برادران مسلمانان! مردم ایران! غول خون آخام و آدمخوار کمونیزم برای بلعیدن ترامیس و وطن هستی شما چنگ و دندان تیز کرده است

هم وطنان! مسلمانان! مردم ایران! ای برادران دینی هر کجا که هستید و در هر گوشه از گوشه های این سرزمین که زندگی می کنید همه با هم یک

رهبران دینی و فکری ایران! از دعای احزاب و دسته جات اسلامی و سیاسی اجتماع! شما را هر چه که مقدس میدانید سوگند میدهم

برادران مسلمانان! مردم ایران و رهبران احزاب و جمعیت های مختلف! اسلک ولی ایرانی! باید بدانند در مویت فلی تنها وظیفه مقدسی

آنها را باید بکشید و کشته کنید و در خون آنها شستن و در خون آنها شستن

هم وطنان! برادران مسلمانان! امروز برای آخرین بار میگویم

و عمال ردل او بردام ما در وطن گذاشته اند. با خون بشوئیم

Advertisement for shoes with a picture of a shoe and text: 'کرم فاستری نیکو فرش' and 'کرم فاستری نیکو فرش'.

اولیاء امور کشور فرانسه

بقیه از صفحه ۱
دست باقدامی زد تا یکی از نوکران دیرین فرانسه را بنام پرنس «محمد بن ارفع

ولی با مقاومت و پایداری این مرد رشید و وطن خواره مواجه شد و در قبال این اقدام ماجرا جوانه زانرا ل فرانسی

در شهر رباط مردم عسکرها و بزرگ سلطان مراکش را گردانید و در خیابانها شعارهایی بنوع محمد بن یوسف علیه فرانسویها میدادند

از تظاهرات وطن خواهانه جوانان رباط جلوگیری نمایند زد و خورد شدیدی واقع در نتیجه زد و خورد همه زیادی از تظاهر

چاپخانه مظاهری

در پیرامون تاراج بیشتر مانده باشکهای (بیر) و (تاج)

روزدوشنبه قبل از ظهر، عمل شناخته شده بیگانه در خیابانهای مرکزی شهر دست بظواهرات زنده شد

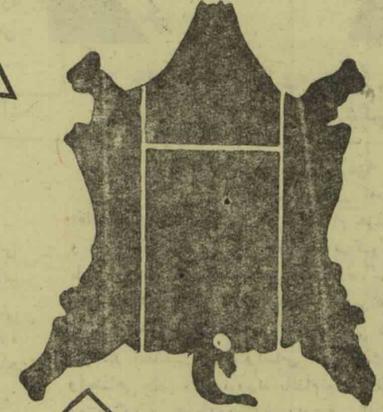
هنوز آخرین کلمات اولین شمارنگین این دشمنان بیشرم حق و آزادی از حلقه مومسهای کثیفشان

بنام اسلام و حق، بنام وطن و خلق مسلمان ایران از جوانان حق طلب و ضد اجنبی آقاییان

روزنامه مزدور و اجنبی پرست شهباز شب سه شنبه برای جبران شکست مفتضحانه خود در کمال بیشرمی و وقاحت جوان مسرد



Advertisement for 'کارخانه چرم سازی شرکت سهامی میشین' (Leather Factory Machine Share Company) with text: 'ترقی و ترویج صنایع داخلی کارخانه جدیدی تحت نظر متخصصین' and 'تأسیس نموده که چرم زیور و فرانسویس گاوی و گا'.



رستاخیز عظیم و اتحاد پایدار خلق مسلمانان ایران قطعی ترین پاسخ داندان شکن به دشمنان مسلمانان مسلح، افسران و سربازان و مبارزان ارتش ایران

یکبار دیگر لیاقت و مردانگی خود را بجهان و جهانیان نشان دادند ارتش اسلامی و ضد اجنبی ایران با هو شیاری و رشادت ذاتی خود نطفه ناسایس و تحریکات ضد ملی و اجنبی خواهانه را در رحم خفه و نابود کرد.

خاطره تابناک نجات آذربایجان، اخراج جاسوسان روسی و عقیم گذاردن توطئه های ضد ملی نشانه قدرت و بیداری قشون اسلامی ماست.

سرکوبی قطعی و قلع و قمع عمال بیگانه و جاسوسان گمراه نیز مبدست ارتش ضد اجنبی ایران قطعیت یافت.

میان دشمنان دیرینه خود میباشد نیروی سربازان وطن و ارتش دلیر خود تکیه کرده است.

این سربازهای درخشان سربازان با ایمان اسلام است که چشم دشمنان سیاه و سرخ کشور ایران را کور میکنند و این همت افسران و درجه داران فداکار و باوقای ایران است که سعادت و خوشبختی ملت را تأمین می کند.

ملت می خواهد زیرا ارتش رشید کشور بیدار است مردم آسوده اند برای آنکه - سربازان از جان گذشته وطن آسایش را بر خود حرام کرده اند.

دشمنان ایران این آرزو را بگور خواهند برد که دست طمع بر جان و مال افراد این مملکت دراز کنند

صفحات تاریخ درخشان ایران همه و همه حاکی از فداکاری و از جان گذشتگی سربازان جاویدان ایران است.

آری اینک یکبار دیگر تاریخ نهالت مملکت ایران عهده با کفایت سربازان با ایمان و بیدار دل قرارداد و عاقبت بروردگار توانا و غدای اسلام بر سرفران و سربازان ایران سایه انداخت.

بروید زنان و دختران ایران بگورید که سربازان دلیر ارتش ایران در راه مستحکم و شغیر ناپذیر نوامیس شامت.

بروید و بر مردم آرزوید خاطر ایران مؤمنان را بیدار کنید که ارتش جانپساز و فداکار ایران مانند همیشه با ستودارترین اندیشه ها آفریده نبرد با دشمنان بیگانه ایران است.

همان سربازان فداکار و از جان گذشته که لایحه جاسوسان سرخ را در یک حمله در هم کوبیدند و آذربایجان را از یزماران زشت خفاگران کونینم بیرون آوردند.

همان ارتش دلیری که در مقابل نیروی استعمارگرانه فرانسوی و بهمت افسران و سربازان خود صحنه مقدس کشور را از وجود جاسوسان کونینم منزه و مصیبت ساخت.

همان ارتش دلیری که همیشه توطئه های بیگانگان را با آبرو گداخته و دشمنان ملت و مملکت را محکوم کرده است.

بلی ملت ایران بارتش تکیه کرده است که شمار درفش مقدس آن آینه صرمن الو وقت تریب است

بشارت باد بر مسلمانان ایران که تمام توطئه های ضد ملی و صیلت ناچوان مردانه دشمنان را سرنگون خواهیم ساخت.

سربازان فداکار و افسران شرافتمند ایران اطمینان دهید که ملت ایران دوشا دوش حسنا در سنگر های ایردوستان می کشد و کس نرسد شمشیریک است.

ملت ایران و تمام نوامیس اخلاقی و اجتماعی کشور مسلمان ایران در خطر است و بعد از رعایت پروردگار فقط و فقط نیروی ارتش ضامن بقا و استقلال کشور میباشد.

مسلمانان مسلح سربازان ارتش ایران باید یکبار دیگر لیاقت و مردانگی خود را بجهان و جهانیان نشان دادند.

ارتش اسلامی ضد اجنبی ایران با هو شیاری و رشادت ذاتی خود لطفه دسائس و توطئه های دشمنان را با تکیه بر روحیه ایثار و شجاعت و با تکیه بر عقیده خاطره تابناک نجات آذربایجان، اخراج جاسوسان روسی و عقیم گذاردن توطئه های ضد ملی نشانه قدرت و بیداری قشون اسلامی ماست.

سرکوبی قطعی و قلع و قمع عمال بیگانه و جاسوسان کونینم مبدست ارتش ضد اجنبی ایران قطعیت یافت.

نبرد ملت

پیشرو جهاد ضد اجنبی روز ناهماهنگه خواب راحت از مصدق جانی و عمال اجنبی سلب کرده بود.

هفته صبح شنبه در سراسر ایران



جانی ۱ سال گذشته نگفتم ولی شکم بدر چون بگیر داندز نای

در این روزها که بدست بدخواهان و دشمنان دین و مملکت رشته های امور کشور میرفت که باره شود. وی بدین خون آشام دندهای سرخ خود را برای بلعیدن نوامیس کشور بهم میساختند. چشم امید مردم فقط و فقط بارتش دلیر دوخته شده بود دشمن دیرینه ما و مملکت ما که همیشه در مقابل اتحاد و یگانگی مردم ایران ذلیل و زبون بود دیروز سر از زیر پرده ننگ و رسوائی برداشته و بی پروا آهنک اشغال کشور اسلام کرده بود.

آنها بیکه از ترس ندای حق طلبانه جوانان فدائی اسلام در بیخوله ها پنهان گشته از این سوراخ به آن سوراخ میگریختند خنده بر لب آماده دست درازی بر کشور ایران گشته بودند.

کسانی که افتخارشان بندگی کرملین و غلامی بت های کونینم بوده و هست و آن بی همت مردمانیکه پستان مادر خود را گزیده در زیر پرچم سرخ گرد آمده اند و جوانان نادان و غافلی که سعادت و نیکبختی خود را در چشم کونینم جستجو میکنند سر برداشته و نقاب دورویی و بی دینی بیکسو زده بدون پروا آرزوی حکومت بر ملت مسلمانان ایران را شعار خود قرار داده بودند.

مامورین خیانت پیشه و جاسوسان فتنه انگیز رژیم سرخ کرملین بفعالیت پرداخته خیال میکردند که بدین آسانی همتی شود زنجیر اسارت و بیچارگی را بر پای ملت مسلمانان ایران استوار ساخت.

افراد دون و کثیفی که بملت تنبلی و بی ایمانی زندگی خود را از دست دادند و در آتش حسادت پیش افتادگان میسوختند برای خرابی و انهدام میبانی استقلال کشور گرد آمده بعصامت مامورین و وزبده و جاسوسان سابقه دار کونینم برای تسلط بر کشور ایران نقشه میکشیدند.

ارداشها و افرادی از این قبیل که افتخارشان در یوزگی در گاه نوکران کرملین است و در میان مردم ظاهر گشته و بی پایه منتشر می گردند بیچاره ها، بدبخت ها گمان کرده اند که این تشنج کوچک اجتماعی که در ایران پیش آمده و برای چند ساعت با چند روز آذغان مردم را بخود مشغول داشته میتواند هیرا له حیات مملکت را از هم بگسلد و در نتیجه زمام امور کشور بدست این ناپیکاران افتد.

خدای اسلام و پروردگار ایران ملت مسلمانان را در پناه قدرت لایزال خود قرارداد و بدست جوانان ایران و سربازان اسلام قویترین و بزرگترین دشمنان را بیهک سیاه میشاند.

این جاسوزمینی است که بهمت مردان و دلآوری سربازان رشید خود هزاران سال درد نهای بر اضطراب و آشوب استوار بر جای مانده و کز نوحوات نتوانسته است تزلزل در در کان استقلال آن بوجود آورد.

ملت ایران بیدار و هشیار است و از فریاد سگ های سرخ و شغالان کونینم بیسی بخود راه ننیده ملت ایران ایسان دارد و همین ایمان بخدا و دین همیشه در مخوف ترین حوادث ضامن بقا و استقلال او بوده است.

جوانان از جان گذشته و سربازان مردانیکه دفاع از نوامیس مملکت را بر عهده با کفایت خود قرار داده بر با استاده اندو شبانه روز پاسدار استقلال و ضامن سعادت کشور هستند.

ملت ایران در این روزهای سیاه که از هر طرف دره خطر فرار گرفته و مصور

مهیجوعه

کاملی است

از پو شیدنیها

لاله زار کو چه بر لکن

اعلامیه دولت

حون آقای دکتر محمد مصدق که در تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۳۲ از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از مقام خود معزل گردیده سراز اطلاعات قانونی پیچیده و با پیادای آشوب طلب و همکاری حزب کونینست قصد دارد با ایجاد حادثه و رجاله بازی بحکومت غیر قانونی خود ادامه دهد بدین وسیله از کله مردم صلح طلب و قانون شناس مرکز و شهرستانها خواهانم که برای جلوگیری از انقلابی را که شخص آقای دکتر مصدق و همداستان بی وطن و بی دین او قصد دارند در این مملکت ایجاد کرده و - با تغییر رژیم و اساس مشروطیت و قانون اساسی کشور شالوده حیات سیاسی و اجتماعی ما را در هم نوردند با تمام قوا استقامت کرده و نگذارند که این مرد جاه طلب و فتنه انگیز برای چند روز زمامداری غیر قانونی خود کشوری را بخون و آتش بکشد همچنین از کلیه عاملی اعلام و روحانیون عالی مقام استدعا دارم در این مورد از بلل توجه و ارشاد مردم مضایقت نفرموده و با انتشار او امر مطاع خود سائین کشور ایران را بقاومت در مقابل نجا و عوامل مخالف دین و مذهب راهنمایی فرمایید.

نخست وزیر - سر لشکر فضل الله زاهدی

برای استحضار عامه اعلام میدارد که دستور ذیل در ساعت ۳ بعد از ظهر امروز از طرف اینجناب بموم مسئولین امور انتظامی صادر گردیده است.

تیمسار ریاحی
تیمسار سرتیپ دفتری
سرهنگ اشرفی
کلیه فرماندهان پادگان مرکز و لشکرها
رئیس ستادشما بر حسب امر اینجناب سر لشکر با تمام تقلیح است اطاعت از او امر تیمسار با تمام تقلیح بنمایید

عصر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
نخست وزیر سر لشکر زاهدی

این بود در روز ۲۸ مرداد: در دو پر سربازان رشید جهاد مقدس سلام بر باز ان فداکار ایران بالاترین تعظیم بمر دشمنان ایران

بقیه از صفحه ۱

سربازان گروه جهاد مقدس

وه چه روز فرخنده ای و چه روز میوئی که سربازان جهاد مقدس با خواسته و با یثار خون گشگون خود نهال آزادی و استقلال وطن را آب یاری نمودند باید روز ۲۸ مرداد را روز مرمک اجنبی پرستان نام گذارد صبح روز ۲۸ مرداد یعنی «دیروز» جوان مردان جنوب شهر یعنی مهر و ترمین اف - راد تهران با اتفاق گروه سربازان جهاد مقدس برای سرکوبی و خراب کردن لاله های بی وطنان قیام کردند: این قیام باعث حرکت مردم تهران شد: تهران قیام کرد: تهران برضد «مردمان» عوام فریب و خیانت کار بیخاست اول بار بمركز جاسوسی روسها «ضد استعمار» حمله نموده و آن پست قطرانرا بمبازانی که در خور آن بود دادند: سپس بلاه خلیل ملکی تنگین ترین ایادی بیگانه رفتند و مزد خیانتگری آنها را دادند در این بین مصدق عوام فریب سربازان دستور داد بروی برادران خود شلیک کنند و لای دیگر سربازان عزیز از فرمان بریده سر باز زدند و جمله زنده باد شاه را که مردم شما نشان بود با صدای بلند تکرار کرده و فریاد بر سر مصدق با آسمان رسید: یکی پس از دیگری لانه های اجانب توسط سربازان جهاد مقدس و دیگر وطن خواهان بر سرشان خراب شد ادارات روزی نامه های باختر امروز و اطلاعات و کیهان و شورش آتش زده شده حزب ایران روی سر همکاران پیشه وری خراب کردید

در ساعت ۱۲ صبح فاطمی را دستگیر و قطعه قطعه نمودند در ساعت یک وزارت پست و تلگراف: بصرف ملت در آمد استاسیون را دیو در ساعت ۲ نیم بدست مردم افتاد ساعت چهار مردم از اردو با ملت ایران سخن گفتند و در ساعت چهار نیم وکلای مجلس حرف زدند و پس از آن فرمان شاهنشاه در مورد نخست وزیر سر لشکر زاهدی قرائت و سپس ایشان برنامه حکومت خود را برای مردم اعلام نمود.

سر لشکر با تمام تقلیح بریاست ستاد منصوب گردید و مشغول کار شد:

هموطنان غیور و شرافتمند بر ای بقای اسلام و ایران دست خود را بخون جاسوسان رنگین